



سال ۵۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۷۸ - ۵۹	HomePage: https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2022.61491.0

نقش کنش‌های گفتاری و راهبردهای کلام در تبیین آیات داستان موسی(ع) (مطالعه موردی سوره شعراء)

راضیه قناعتی

دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

دکتر اعظم پرچم (نویسنده مسئول)

دانشیار دانشگاه اصفهان

Email: a.parcham88@yahoo.com

چکیده

از عوامل موثر در فهم کارگفت‌های قرآنی، مقتضای حال متکلم و مخاطب و قصد مخاطبه است. نظریه «کارگفت» از «سرل» در دانش کاربرد شناسی با عناوینی چون: اغراض ثانویه و اغراض ادبی در علم معانی مطابقت دارد. سرل اثرات این کارگفت را به «اثرات در گفته» و «اثرات با گفته» تقسیم کرده است. «اثرات با گفته» نتیجه جانبی برآمده از مجموع کارگفت‌هاست. کارگفت‌های غیر مستقیم به اطلاعات پس زمینه‌ای مشترک میان متکلم و مخاطب نیاز دارد که از جنس زبان و غیر زبان است و مخاطب با تکیه بر عقلانیت حاکم بر ارتباط کلامی خود، مخاطبه و مفاهیم نهفته درون آن را استنباط می‌کند. استفاده متکلم از بیان غیر مستقیم با مفهوم ادب گفتاری، جایگاه مهمی دارد. پژوهش حاضر بر اساس بافت موقعیتی آیات با روش توصیفی-تحلیلی به برخی کارگفت‌های مستقیم و غیر مستقیم می‌پردازد. برخی از کنش‌ها عبارتند از کنش توصیفی، عاطفی و اعلامی که در مخاطبه‌های فرعون، موسی و ساحران با راهبردهای کلام وجود دارد. برای نمونه زمانی که فرعون قصد دارد در یک مخاطبه عمومی، دعوت الهی موسی را تخریب نماید، از ساحران یاری جسته و با راهبرد ایجابی، کنش ترغیبی را جهت توانمندی سحر آنها به کار می‌برد و منتظر اثرات با گفته مورد انتظار خویش است؛ ولی به یک‌باره پس از انجام معجزه موسی، ساحران کنش عاطفی خویش را به سوی خدای یگانه ابراز می‌کنند و کنش‌های تهدیدی او را با راهبرد صراحت کلام و اعلام ایمان به خدای واحد پاسخ می‌دهند و هیچ اثر «با گفته‌ای» مطابق انتظار فرعون نشان نمی‌دهند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، موسی(ع)، کارگفت، اثر با گفته، راهبرد کلام



HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	Vol. 53, No. 1: Issue 106, Autumn & Winter 2021 - 2022, p.59-78
Online ISSN: 2538-4198	Print ISSN: 2008-9120
Receive Date: 27-08-2019	Revise Date: 06-10-2019
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2022.61491.0	Accept Date: 18-10-2022
	Article type: Original

The Role of the Speech Acts and Strategies in the Explanation of the Moses' Story Verses; a Case Study of Surah al-Shu'ara

Raziyeh Ghenaati, Ph.D. Student. University of Isfahan

Dr. Azam Parcham (Corresponding Author), Associate Professor, University of Isfahan

Abstract

Knowing the requirement of the speaker and the audience as well as the purpose of the conversation is effective in understanding the Quranic speech acts. Searle's theory of speech acts in pragmatics conforms with the secondary and literary purposes in semantics (Ma'ani). Searle has divided the effects of these speech acts into "Illocutionary effects" and "Perlocutionary effects". The perlocutionary effects are the subsidiary results of all the speech acts. Indirect speech acts need common background information between the speaker and the audience that is both linguistic and non-linguistic, and the audience perceives the conversation and its underlying concepts by relying on the rationality governing his verbal communication. The speaker's use of indirect expressions that means politeness in the speech has an important position. Using a descriptive-analytical method and based on the situational context of the verses, this study examines some direct and indirect speech acts. There are assertive, expressive, and directive acts in the conversations of Pharaoh, Moses, and the sorcerers through strategies of the speech. For example, when Pharaoh decided to destroy Moses' divine invitation, he asked the sorcerers for help and, by adopting a positive strategy, used the directive act to empower their magic and waited for his expected perlocutionary effects. Still, after the miracle of Moses, the sorcerers represented their expressive act toward the One God. Also, they reacted to the Pharaoh's threatening action with the speech strategies of the explicitness and declaration of faith in the One God. In other words, they didn't show any perlocutionary effects that he expected.

Keywords: The Holy Quran, Moses, Speech act, Perlocutionary effect, Speech strategy

مقدمه

بافت فرازبانی و زبانی نقش مهمی در تبیین آیات دارند و مفسران علی‌رغم توجه بدان، در تفسیر آیات بر تفکیک جداگانه انواع سیاق اهتمام نداشتند، از این‌رو برخی معانی وارده در تفاسیر، ابهام دارند. عناصر مهم در بافت فرازبانی عبارتند از: زمان و مکان آیه، مقتضای حال متکلم و مخاطب و قصدی که از کلام و مخاطبه ارائه می‌شود. در علم معانی علمای بلاغت با عناوینی چون «اغراض ثانوی جمله»، «معانی مجازی جمله»، «اغراض ادبی و زیبایی شناختی» و «مقاصد و اهداف دیگر» به تبیین معنا پرداختند. (جمالی، ۱۴۵)

نظریه کارگفت در صدد بازشناسی کارگفت‌ها و نحوه عملکرد و نظام حاکم بر آنهاست، کنش‌گفتار، شاخه‌ای از دانش کاربردشناسی است که ابتدا توسط جی. ال. آستین^۱ مطرح (۱۹۶۲) و جان. راجرز. سرل^۲ آن را گسترش داد. (۱۹۷۹) یک مخاطبه شامل «کنش گفته»، «کنش درگفته» و «کنش با گفته» است. «کنش گفته» یعنی آنچه کاربر زبان می‌گوید و از قواعد دستور زبان استفاده کرده و زنجیره واژگانی را در عبارات بکار می‌برد. «کنش در گفته» یعنی آنچه کاربر زبان در حین گفتن انجام می‌دهد و اهدافی همچون: هشدار دادن، آگاهی دادن، درخواست کردن، پیمان بستن را در کاربری زبانی خود می‌گنجاند و از شنونده انتظار دارد این گونه کنش‌ها را دریابد. جملاتی که دارای چنین «کنش‌های در گفته» باشند اصطلاحاً دارای «نیروی در گفته»^۳ هستند. بیشتر کارگفت‌ها در این سطح اجرا می‌شوند. «کنش با گفته» یعنی آنچه کاربر زبان بوسیله گفتن انجام می‌دهد؛ کنش‌هایی که نتیجه و برآیند کاربری زبان است که در این سطح چه بسا شنونده با هشدار گوینده دچار ترس و هراس شود و یا با آگاهی دادن وی متقاعد شود در این صورت هر دو کنش (ترسیدن و متقاعد شدن) از جمله «کنش‌های با گفته» در کاربری زبان است (Searle, 32-45, Briggs, 2001: 40-3). سرل نیز اثرات کارگفتی مخاطبه را به دو بخش تقسیم کرده: «اثرات در گفته» و «اثرات با گفته». در «اثرات در گفته»^۴ مخاطب با شناختن قوانین حاکم بر کاربری ابزار تعیین‌کننده نیروی «در گفته»^۵ این اثرات را می‌فهمد. در «اثرات با گفته»^۶ به طور غیر مستقیم به عنوان نتیجه فرعی و جانبی برآمده از مجموع کارگفت‌ها شناخته می‌شود. (Searle, 1970, 1969: 49)

1. Austin John Langshaw

2. John R. Searle

3. illocutionary force

4 illocutionary effects

5 illocutionary force indicating device(IFID)

6 perlocutionary effects

تفکیک اثرات در گفته و با گفته در یک مخاطبه معمولاً آشکار نیست ولی در آیات قرآن خداوند با کاربری چنین مخاطب‌های بندگان خود را با این کارگفتار هشدار می‌دهد و تلاش می‌کند تا به واسطه این کارگفت‌ها مخاطب در درون خود حالت ترس و زنگ خطر را احساس کند. کارگفت هشدار و برحذر داشتن یک نوع اثر «با گفته» است که به صورت غیر مستقیم از مخاطبه بر می‌آید. سرل در تبیین کارگفت‌های غیر مستقیم توجه به مخاطب‌هایی دارد که در آن، متکلم علاوه بر آنچه می‌گوید و معنایی که در الفاظ رانده شده، چیز دیگری را نیز در کاربری زبانی خود می‌گنجاند و با ایما و اشاره در کل بافت و فضای پیرامونی حاکم بر مخاطبه منتقل می‌کند و از مخاطب خود انتظار دارد که بدان دست یابد و آن را بفهمد؛ یعنی متکلم نیروی «در گفته» مشخصی را در مخاطبه خود می‌گنجاند و اثر «با گفته» مشخصی را در مخاطب خود پدید می‌آورد. (Searle, ۱۹۷۹: ۳۰) سرل در بحث کنش‌های گفتاری خویش به فعل مضمون در سخن^۱ اشاره می‌کند به مانند: بیان، پرسش، تحسین، وعده و... (Searle, ۱۳۸۵: ۱۲۱) مقصود مضمون در سخن^۲: به این معناست که یک فعل گفتاری باید مقصود آن به منظور انجام فعلی به خصوص و متناسب با آن گفتار انجام شود (Searle, ۱۹۹۸: ۱۴۷) در واقع مقصود مضمون در سخن همراه با این مفهوم است که یک اظهار، انجام چه فعلی را در بر می‌گیرد؟ ضمن این‌که نباید قواعد حاکم بر زبان را نیز در تعیین مقصود مضمون در سخن نادیده گرفت. (Searle, ۱۹۷۹: ۲) برای نمونه کنش‌های گفتاری موسی در شناسایی پروردگار و ربوبیت او بر آسمان‌ها و زمین و انسان‌ها و همچنین انجام معجزه، به اثر ترس در درون فرعون و درباریان و ایمان آوردن ساحران منجر شد.

سرل یکی از ویژگی‌های مهم آگاهی که ما را با جهان مرتبط می‌سازد را، حالت «التفاتی»^۳ میدانند (Searle, ۱۹۹۸, ۱۰۰)؛ از نظر سرل حالت التفاتی، یکی از مهم‌ترین خصوصیات ذهن است که به وسیله آن حالت ذهنی ما به اشیاء و وضعیت امور در عالم رجوع می‌کند. حالت‌هایی نظیر باور، میل، امید و باور را از باریدن باران داشته باشیم. «باور» دارای محتوای گزاره‌ای با جهت تناسب «ذهن به جهان»^۴ است اما میل‌ها یا خواسته‌ها و قصدهای ما دارای جهت تناسب «جهان به ذهن»^۵ هستند زیرا هدفشان این است که جهان را آن‌گونه بیان کنند که ما دوست داریم باشد نه آن‌گونه که جهان در واقعیت بدان شکل است. (همان) مواردی نیز هستند که دارای جهت تناسب «تهی»^۶ هستند مانند بیان احساسات شاد یا

1 Illocutionary act

2 Illocutionary point

3 Intentional states

4 Mind to Word

5 Word to Mind

6 Null direction of fit

غمگین از چیزی. برای مثال زمانی که از باریدن باران احساس شادی می‌کنیم، باریدن باران را پیش‌فرض قرار داده‌ایم و این گونه نیست که هدف این پیش‌فرض تطابق ذهن با جهان یا جهان با ذهن باشد. متناظر با هر سه جهت تناسب میان ذهن و جهان به ترتیب می‌توان سه جهت تناسب «واژه به جهان»^۱ مانند اظهارات اخباری که اصطلاحاً صادق یا کاذب خوانده می‌شوند، «جهان به واژه»^۲ مانند درخواست، امر و قصد و «جهت تناسب تهی»^۳ مانند تبریک گفتن و عذرخواهی کردن داشت. (Searle, ۱۹۹۸, ۱۰۱, ۱۹۷۹, ۶)

سرل کنش‌های گفتاری را در ۵ طبقه منحصر می‌کند که به ترتیب عبارتند از: تصدیقی، رهنمودی (ترغیبی)، التزامی، بیان حالت روانی و اعلامی (Searle, ۱۹۷۹, ۱۰-۱۶) که توضیح هر یک در ادامه پژوهش خواهد آمد.

این مقاله در صدد است تا از طریق بافت و انواع کنش‌های گفتاری سرل و نیز راهبردهای کلام، به تبیین مکالمات حضرت موسی(ع)، فرعون و ساحران در سوره شعراء پردازد؛ نوآوری این پژوهش در بیان کنش‌ها و راهبردهای کلام و تطبیق آن با مقتضای حال و بافت در دسته‌ای از آیات مربوط به داستان موسی(ع) است؛ که تا به حال به این موضوع پرداخته نشده است.

پیشینه پژوهش

اولین تحقیق در موضوع کنش گفتاری را آستین انجام داده است و در طول سال‌ها تحقیقات متفاوتی در خارج از کشور صورت گرفته است. برای نمونه پایان نامه دکتری کامرون شل (۱۹۹۲) با عنوان «کنش‌های گفتاری و کاربردشناسی در ایجاد جمله» نگاشته شده است. نگارنده در این پژوهش درصدد طرح‌ریزی انگاره‌ای برای توصیف و مقایسه کنش‌های گفتار است. همچنین بیان می‌کند که چگونه انگاره کنش گفتار در نظریه معناشناسی و صرفی تأثیرگذار خواهد بود.

کتابی با عنوان «اساس نظریه کنش گفتار از منظر فلسفی و زبان‌شناختی» توسط ساوال ال. (۱۹۹۴) به چاپ رسیده است. در این کتاب مفاهیم کنش گفتار و کنش‌های بیانی، غیربیانی و تأثیری از منظر فلسفی و زبان‌شناختی بررسی شده است.

کتابی با عنوان «کنش غیربیانی و معنای جملات» توسط ویلیام آستون (۱۹۹۶) چاپ شده است. نویسنده این اثر بر این باور است که کنش غیربیانی در فهم صحیح و کاربردی معانی دخیل است و معانی

1 Word to World

2 World to Word

3 Null direction of fit

مختلف از یک جمله در سخن مخاطب پنهان است.

کتابی با عنوان «مجموعه مقالات درباره کنش گفتار» توسط دانیل واندر وکن و سوسوموکویو (۲۰۰۱) به چاپ رسیده است. این کتاب دارای سه فصل است که در فصل اول مؤلفه‌های دستوری کنش گفتار، در فصل دوم نظریه کنش گفتار و در فصل سوم به بررسی جایگاه کنش گفتار در زبان شناسی پرداخته شده است.

مقاله‌ای با عنوان «کنش‌های گفتار» توسط مانفرد کریفکا (۲۰۰۲) چاپ شده است. نگارنده بیان می‌کند که یکی از رویکردهای مهم به کنش گفتار، استفاده از کنش گفتار به عنوان ابزاری برای تفسیر پاسخ مخاطب است و نیز هر پاره گفتاری در انگارهای از کنش گفتار قرار می‌گیرد.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در قالب مقاله و پایان‌نامه در این موضوع انجام گرفته است: غلامرضا تجویدی (۱۳۷۹)، «کنش‌های گفتاری در فرآیند یادگیری انگلیسی گویشوران فارسی زبان»، نویسنده در این پژوهش به بررسی کنش‌های گفتاری از منظر یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم برای فارسی زبانان پرداخته است.

مهدی عباسی (۱۳۹۲) «بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین و سرل»

گلنار نوری زاده (۱۳۹۴) «بررسی کنش‌های گفتار، در ترجمه متون سوره‌های یاسین و الرحمن از قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتار سرل و آستین».

در مقالات مختلفی نیز این موضوع بررسی شده است:

عبداللهی (۱۳۸۴) «نظریه افعال گفتاری» این نظریه را از دیدگاه آستین و سرل بررسی کرده و فرضیه، مبانی و مبادی آن را با شاهد مثال توضیح داده است.

ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۱) «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» او مدعی است که طبق نظریه آستین باید گزاره‌های اخباری و اثنائی قرآن واقع‌نما باشند؛ زیرا آستین برای فعل گفتاری مطلوب، شرایطی را بیان می‌کند که توجه به این شرایط، اقتضای واقع‌نمایی گزاره‌های دینی را دارد.

ویسی الخاص، غلامحسین اورکی (۱۳۹۴) «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتار» او از آیه ۷۵ سوره کهف تا پایان سوره ناس را، بر طبق نظریه آستین تحلیل نموده و کارکردهای منظوری و تأثیری آن را بیان کرده است.

پیشوایی علوی، محسن و فردین حسین پناهی (۱۳۹۳) «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مؤمنون براساس نظریه کنش کلامی» او گزاره‌های پرسشی در سوره مؤمنون را بر اساس انواع کارگفتار سرل،

استخراج نموده و سپس کنش کلامی مستقیم، غیر مستقیم و منظور غیر صریح آن‌ها را ذکر کرده است. حسینی معصوم (۱۳۹۴) «تاثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار» او به بررسی فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سی صفحه از سوره مکی و سی صفحه از سوره مدنی پرداخته و پیامدهای تفسیری حاصل از میزان کاربرد هر کارگفتار را بیان کرده است.

زارع، آمنه و سحر زرگری (۱۳۹۲)، «تحلیل متن شناسی سوره بقره براساس نظریه کنش گفتار» او نیز مدعی است که نظریه کارگفتار در سوره بقره، از مجموع ۱۷۴۲ کنش به کار رفته در آن، کنش اظهاری و ترغیبی بیشترین میزان کنش را در این سوره داشته و کنش تعهدی، با تعداد یک مورد کمترین میزان را داشته است.

مقداری، صدیقه سادات و فریده بلندی (۱۳۹۳) «بررسی کنش‌های گفتاری سوره یوسف» او نیز به بررسی کنش‌های گفتاری سوره یوسف با هدف تحقیق در آموزنده یا عاطفی بودن میزان کنش‌های گفتاری در این سوره پرداخته و آموزنده بودن سوره را، بر بعد عاطفی آن برتری داده است. تا کنون پژوهشی درباره قصه حضرت موسی(ع) بر اساس نظریه کارگفتار انجام نشده است. نتایج بیشتر پژوهش‌های یاد شده، تنها به شمارش انواع کنش‌های گفتاری مطرح در موضوع مورد نظر معطوف شده و در نهایت کمترین و بیشترین نوع کنش به کار رفته را مشخص کرده‌اند.

۱- انواع کارگفتارها

سرل کنش‌های گفتاری را در ۵ طبقه منحصر می‌کند:

- ۱-۱- کارگفتار رهنمودی یا ترغیبی: شامل آن دسته از کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده واژه‌هایی همچون: پیشنهاد کردن، تقاضا کردن، دستور دادن و... را به کار می‌گیرد. در این گونه کنش گفتاری، گوینده تلاش می‌کند با نصیحت، امر و یا درخواست، شنونده را به انجام کنشی و یا ترک آن ترغیب نماید؛ اما این شنونده است که تعیین می‌کند امر را بپذیرد یا نه. (Searle, ۱۹۷۹, ۱۳, ۱۹۹۸, ۱۴۹)
- ۱-۲- کارگفتار التزامی یا تعهدی: در آن‌ها گوینده با قول دادن یا سوگند خوردن، متعهد می‌شود که در آینده کاری انجام دهد. (البرزی، ۶۷) کنش‌هایی همچون وعده و وعیدها از این دسته است، تهدید کردن نیز نمونه‌ای از این طبقه است اما التزامی است بر خلاف تمایل شنونده نه به سود او. کارگفتار التزامی

1 directive

2 Commissive

از جهان به واژه است و شرط ناظر به صداقت آن قصد است. (Searle, ۱۹۹۸, ۱۴۹, ۱۳, ۱۹۷۹)

۱-۳- کارگفتار بیان احساسات یا حالت روانی^۱: کنش‌هایی هستند که احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد که شامل احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر و... است. بیان احساسات نشانه تجربه گوینده است. (بول، ۷۴) مقصود مضمون در سخن این طبقه تنها بیان حالت روانی شرط ناظر به صداقت فعل گفتاری است. جهت تناسب محتوای گزاره‌ای این طبقه تهی است؛ زیرا در انجام این افعال گوینده تلاش نمی‌کند که جهان را با واژه یا واژه را با جهان متناسب کند، بلکه صدق محتوای گزاره از پیش مفروض قرار گرفته است. (Searle, ۱۹۷۹, ۱۳) برای نمونه زمانی که می‌گوییم: «به خاطر گرفتن جایزه به تو تبریک می‌گویم» گرفتن جایزه از طرف شنونده را مفروض قرار داده‌ایم. تطابق میان محتوای گزاره‌ای و واقعیت پیش فرض چنین سخنی است. شرط ناظر به صداقت در این طبقه متغیر است. «تبریک گفتن» صادقانه است اگر گوینده درباره آنچه که تبریک می‌گوید، واقعاً حس شادی و خوشحالی داشته باشد. (Searle, ۱۹۷۹, ۱۹, ۱۵۲, ۱۹۹۸)

۱-۴- کارگفتار تصدیقی یا توصیفی^۲: مقصود مضمون در سخن این کارگفتار به منظور توصیف وضعیت امور جهان به کار می‌رود و می‌توان آنها را با مفاهیم صادق و کاذب ارزشیابی کرد. برای مثال توصیف کردن، دسته بندی کردن و... تمام توصیفی‌ها دارای تناسب واژه به جهان هستند و شرط ناظر به صداقت آنها باور کردن است. در واقع هر توصیفی بیان کننده یک باور است. بدین معنا که آیا کنش گفتاری بیان شده صادق است یا کاذب و این امر به سبب این است که دارای تناسب واژه به جهان است. (Searle, 1979, 12, 1998, 148)

۱-۵- کارگفتار اعلامی^۳: تلاشی است از طرف گوینده تا شنونده را وادارد تا کاری را انجام دهد و به گونه‌ای رفتار کند که رفتارش مطابق با محتوای کارگفتار رهنمودی باشد. مثال‌هایی از این طبقه عبارتند از: تحریک کردن، فرمان دادن، درخواست کردن، التماس کردن و... جهت تناسب این طبقه، از جهان به واژه است و شرط ناظر به صداقت آن میل و آرزو است. پرسش‌ها را نیز باید در این طبقه قرار داد زیرا تلاشی است از طرف گوینده تا شنونده را به پاسخگویی وادارد. (Searle, ۱۹۹۸, ۱۴۹, ۱۹۷۹, ۱۲-۱۳)

۲- راهبردهای کلام در کارگفت‌های غیرمستقیم

1 Expressive

2 Assertive

3 Directive

از دیدگاه سرل با به رسمیت شناختن قوانین حاکم بر کارگفت و مخاطبه، اثرات در گفته و یا اثرات با گفته که به طور غیر مستقیم به عنوان نتیجه فرعی است، از مجموع کارگفت‌ها شناخته می‌شود. این اثرات همگی در بافت پیرامونی و فضای کاربری زبانی ریشه دارد. مخاطبه‌ای که متکلم علاوه بر آنچه می‌گوید، چیز دیگری را نیز در کاربری زبانی خود می‌گنجانند و با ایماء و اشاره و در کل بافت و فضای پیرامونی حاکم بر مخاطبه منتقل می‌کند. نوع دیگری از آن که سرل تحت عنوان «کارگفت‌های غیر مستقیم» معرفی می‌کند، متکلم تلاش دارد تا با تکیه بر دانش مشترک خود با مخاطب بفهماند که در پی کارگفت خویش، درخواستی از مخاطب دارد که در جمله‌اش آشکار نیست. فهم کارگفت‌های غیر مستقیم نیازمند اطلاعات پس زمینه‌ای مشترک میان متکلم و مخاطب است، اطلاعاتی از جنس زبان و غیر زبان که مخاطب با تکیه بر عقلانیت حاکم بر ارتباط کلامی خود با متکلم، مخاطبه و مفاهیم نهفته درون آن را فهم و استنباط می‌کند. مهم‌ترین انگیزه برای کاربری غیر مستقیم کارگفت‌ها، استفاده از ساختار ادب گفتاری در مخاطبه است.

سرل علاوه بر نظریه کارگفت، از اصول همیاری مکالمه نیز بهره برده است. اصولی نانوشته در هر مخاطبه که باید متکلم و مخاطب بدان‌ها پایبند باشند تا مخاطبه در صورت واقعی خود کاربری شود:

اصل کیفیت^۱: تلاش برای هدایت مخاطبه در جهت درستی و راستی کلام؛

اصل کمیت^۲: تلاش برای اطلاع‌رسانی مفید و مورد نیاز؛

اصل ربط^۳ و طرز بیان^۴: سخن باید مربوط و واضح و شفاف باشد تا از ابهام، ایجاز و اطناب پرهیز شود. تخطی از اصول همیاری و شکل‌گیری بیان غیر مستقیم در مخاطبه تأثیر دارد مثلاً تخطی از اصل «کیفیت» باعث گزافه‌گویی است، تخطی از اصل «کمیت» زمینه‌ای برای تناقض‌گویی و طعنه‌زدن و یا استعاره و تشبیه است و تخطی از اصل طرز بیان تولید ابهام و نقصان در بیان مخاطبه است. (صانعی پور،

۱۴۸-۱۶۵)

شاخص‌های ارزیابی ادب گفتاری نزد جفری لیچ عبارتند از:

شاخص بیان غیر مستقیم: بالا بودن بیان غیر مستقیم نیروی در گفته مخاطبات، شاهد افزایش ادب گفتاری است و میزان فاصله متکلم با مخاطب را در میان کنش در گفته و نیل به هدف در گفته خود را

1 The Maxim of Quality

2 The Maxim of Quantity

3 The Maxim of Relevance

4 The Maxim of Manner

ترسیم می‌کند. شاخص هزینه _ فایده: این شاخص جهت برآورد میزان هزینه یا فایده است که تحقق کنش در کار گفت مخاطبه را بر عهده هر کدام از متکلم و مخاطب قرار می‌دهد. شاخص آزادی عمل: این شاخص جهت برآورد و اندازه‌گیری میزان اختیار و آزادی عملی است که متکلم در کار گفت خود برای مخاطب در نظر می‌گیرد.

لیچ، دو شاخص دیگر را از نظریه معروف براون و گیلمن به ودیعه می‌گیرد. براون و گیلمن، چگونگی کاربری ضمائر را بر مبنای دو مفهوم قدرت و همبستگی یا به تعبیر لیچ، «فاصله اجتماعی» مورد بررسی قرار دادند. این دو مفهوم، در پی گردآوری اطلاعات مربوط به میزان تجربیات مشترک میان دو طرف مخاطبه، چگونگی مؤلفه‌های بافتی متعلق به دو طرف مخاطبه همچون: دین، جنسیت، ملیت و تابعیت، نژاد، حرفه، میزان صمیمیت و تعلق خاطر دو طرف مخاطبه هستند. مفهوم قدرت و همبستگی نشان‌دهنده جایگاه متکلم و مخاطب در بافت پیرامونی مخاطبه است که ارتباط تنگاتنگی با ادب گفتاری مخاطبه پیدا می‌کند. وجود حداقل دو نفر برای تحقق مفهوم قدرت ضروری است و رابطه قدرت میان این دو نفر نیز یک رابطه غیر دو سویه و نامتقارن است، به نحوی که هرگاه یک طرف رابطه قدرت سنگین‌تر باشد، طرف دیگر رابطه سبک‌تر خواهد بود و این حالت می‌تواند به تعادل منجر شود و شاخص قدرت در آن منفی گردد. شاخص قدرت، جایگاه مهمی در بازشناسی ادب گفتاری مخاطبه دارد؛ چرا که هر یک از متکلم و مخاطب با تکیه بر این شاخص، چگونگی رابطه قدرت (فراستی و فرودستی) را در مخاطبه خود می‌شناسند و سعی می‌کنند تا کلیه کنش‌های گفته خود را، مطابق با این رابطه کاربری کنند. (صانعی‌پور، ۱۶۶-۱۷۱)

براون و لوینسون، مفهوم وجهه که همان تصویر بیرونی از خود و یا اعتبار و منزلت درونی فرد است را، به عنوان یک مبنای همگانی در ادب گفتاری پیشنهاد کرده‌اند و مجموعه راهبردهای ادب گفتاری را رده‌بندی کرده‌اند. این رده‌بندی بر مبنای میزان احتمال آسیب به وجهه مخاطب طراحی شده است.

۱-۲- راهبرد «صراحت کلام»: در این راهبرد، متکلم کنش‌های گفته خود را به طور مستقیم کاربری می‌کند. چنین مخاطباتی بیشتر دارای ساختار آمرانه هستند و این راهبرد در بافتی کاربری می‌شود که شاخص قدرت نمود بیشتری دارد و متکلم، سلطه قابل توجهی بر مخاطب خود دارد. در غیر این صورت و در مواردی که متکلم و مخاطب دارای تراز اجتماعی هستند و شاخص قدرت رو به صفر است، کاربرد چنین راهبردی باعث تهدید وجهه دیگری می‌شود.

۲-۲- راهبرد «ادب گفتاری ایجابی»: در این راهبرد متکلم با تکیه بر زمینه‌های مشترک میان خود و مخاطب، کنش‌های در گفته را آن چنان بر می‌گزیند تا میزان صمیمیت را میان خود و مخاطب افزایش دهد

و در سایه آن علاوه بر حفظ وجهه خود و دیگری، به مقصود خود نیز نایل شود. در این راهبرد متکلم توجه خاصی به خواسته‌های مخاطب دارد و تمایل بیشتری به وجهه ایجابی مخاطب نشان می‌دهد.

۲-۳- راهبرد «ادب گفتاری سلبی»: در این راهبرد، متکلم علی‌رغم استفاده از ساختارهای پرسشی، در پی تحقق کارگفت «پرسیدن» نیست؛ بلکه زمینه را برای اعمال آزادی مخاطب فراهم می‌کند که وی بتواند جواب منفی به کارگفت متکلم بدهد؛ چرا که متکلم خود می‌داند که ممکن است جواب مخاطب منفی باشد. بنابراین، کنش‌های درگفته چنین مخاطباتی برای تحقق کارگفتی مستقیم نیست؛ بلکه غیر مستقیم به کارگفت‌های دیگری اشاره دارد.

۲-۴- راهبرد «عدم صراحت کلام»: در این راهبرد متکلم با استفاده از انواع ایماء و اشاره، استعاره و تشبیه، مخاطبه خود را بر مدار بیان غیر مستقیم بنا می‌کند. در این حالت مخاطبه متکلم، بر بیش از یک معنا حمل می‌شود و مخاطب برای بازیابی کارگفت مقصود متکلم، باید بر اطلاعات بافتی تکیه کند. از این‌رو در این راهبرد، عملاً شاهد برداشت‌های مختلف از مخاطبه و مقصود متکلم خواهیم بود. این راهبرد، در پایان بیان غیر مستقیم قرار دارد.

در یک بازنگری درباره این راهبردها در می‌یابیم که در سیر از شماره یک به چهار، به ترتیب بیان غیر مستقیم پرنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، متکلم در کاربری راهبرد «صراحت کلام» در مخاطبه خود، از درصد بیان غیر مستقیمی کمتر و در نتیجه از کارگفت‌های مستقیم استفاده می‌کند و درصد بیان غیر مستقیم در راهبرد «عدم صراحت کلام» به نهایت خود می‌رسد و در نتیجه در مخاطبه، شاهد کارگفت‌های غیر مستقیم خواهیم بود. (پول، ۸۱-۹۰؛ صانعی‌پور، ۱۷۴-۱۸۲)

آیه ۱ تا ۶۸ سوره شعراء به بیان داستان موسی(ع) اختصاص دارد و آیات ۱۶ تا ۵۱ نیز شامل مکالماتی بین موسی(ع)، فرعون، درباریان و ساحران است. انواع کارگفت‌ها و راهبردهای کلام در این دسته از آیات به کار رفته است.

۳- انواع کارگفت‌ها و راهبردهای کلام در محاکات موسی(ع)، فرعون، ساحران و درباریان با یکدیگر در سوره شعراء

در این قسمت انواع کارگفت و راهبردها به همراه ویژگی‌های هرکدام در مخاطبه موسی، فرعون، درباریان و ساحران بر اساس آیات تبیین می‌شود. فرعون و موسی از شاخص قدرت برخوردار هستند یکی قدرت ظاهری و دیگری قدرت الهی؛ از این‌رو از کارگفت‌های مختلف و از راهبرد صراحت کلام در

مخاطبه خویش بهره می‌گیرند تا بتوانند بر دیگری پیروز گردند. یکی در صدد بیان حقیقت جهان و خدای واحد است و سعی می‌کند تا با عبارات واضح و شفاف و در نهایت پیوستگی و نظم کلام به اهدافش برسد و دیگری با تحقیر دیگران و با به رخ کشیدن قدرت خویش، قصد دارد طرف مقابل خویش را مغلوب سازد. درباریان که از شاخص قدرت و آزادی عمل برخوردار نیستند کارگفت محدودی را به کار می‌برند؛ ولی ساحران که جیره‌خوار فرعون اند ابتدا فقط از ادب گفتاری ایجابی استفاده می‌کنند، ولی پس از دیدن معجزه موسی، با حقیقت جهان آشنا می‌شوند؛ از این‌رو ادب گفتاری خویش را به یک‌باره تغییر می‌دهند و به واسطه ایمان به خدا از شاخص قدرت و آزادی عمل در برابر تهدیدهای فرعون برخوردار می‌گردند.

۳-۱- کارگفت‌ها و راهبرد صراحت کلام در مکالمه موسی (هارون) با فرعون

موسی (ع) بعد از سپری کردن مقطعی طولانی، در کسوت پیامبری به نزد فرعون بازگشت و ضمن اعلام رسالت خویش «فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء: ۱۶) خواستار آن شد که بنی اسرائیل را با آنان (موسی و هارون) همراه کند: «أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء: ۱۷) گرچه در قرآن اشاره‌ای صریح مبنی بر سخن گفتن هارون با فرعون نشده است، ولی صیغه جمع (مَعَنَا) از همراهی او با موسی در این مکالمه حکایت دارد. بنابراین می‌توان گفت: در این محاکات، موسی (ع) و هارون با صراحت کلام و انواع کنش در گفته درخواست خود را مطرح می‌کنند و فرعون را وارد چالش می‌سازند؛ در حالی که از موسی انتظار می‌رود پس از بازگشت از یک غیبت طولانی، از ادبیات متواضعانه‌تری استفاده کند و ضمن یادآوری الطاف فرعون در حق او، از کرده خویش عذرخواهی کرده، سپس درخواست خود را مطرح نماید (طباطبایی، ۱۵/۲۶۱؛ طبرسی، ۷/۲۹۳) در این مخاطبه، موسی و هارون در جایگاه متکلم و فرعون، در جایگاه مخاطب قرار دارد و این دو پیامبر، با وجود پشتوانه الهی و جایگاه عظیمی که دارند در برابر فرعون که جایگاه حکومتی وسیعی نسبت به آن‌ها دارد، به تبلیغ رسالت خویش می‌پردازند و خواستار همراهی بنی اسرائیل با خودشان می‌شوند. با توجه به آیه، مشخص می‌گردد فرعون با یادآوری کردن این امر که موسی پرورش یافته اوست و فرزندخوانده او به شمار می‌رود، درصدد انکار مقام رسالت است. پاسخ موسی در برابر سخنان فرعون، با صراحت کلام و با یک کنش در گفته است و به جای عذرخواهی از فرعون، به خاطر ناسپاسی که (به زعم فرعون) در حق او کرده و یکی از قبطیان را کشته بود، به تبرئه خود می‌پردازد و می‌گوید: «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الصَّالِينَ» (شعراء: ۲۰)؛ این جملات موسی (ع) در حالی ادا می‌شود که فرعون ظاهراً از قدرت بالایی نسبت به همه مردم و موسی برخوردار است؛ ولی چون موسی با خداوند متعال پیوند دارد، جایگاه بالای واقعی از آن موسی است و فرعون فقط از نظر قدرت دنیوی دارای جایگاه است. به همین دلیل، موسی نیز از راهبرد صراحت کلام و از کنش گفتاری توصیفی بهره می‌جوید. سپس موسی دوباره از راهبرد صراحت

کلام و از کنش‌های اعلامی استفاده می‌کند و می‌گوید: آری من به دلیل این‌که ترسیدم شما مرا بگیری و عقوبت کنید، فرار کردم: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (شعراء: ۲۱). موسی اصل کیفیت و کمیت را در این راهبرد رعایت می‌کند و نشان می‌دهد که سال‌های گذشته برای او، سال‌های سرگردانی و اتلاف وقت در دوران جوانی نبوده بلکه در راستای تربیت از نوع انسان کامل قرارگرفته است، چیزی که فرعون و درباریان از آن هیچ اطلاعی ندارند. (طباطبایی، ۱۵/۲۶۳؛ طبرسی، ۷/۲۹۳) موسی، در ادامه با صراحت کلام و به‌طور مستقیم یکی دیگر از اعتراضات سه‌گانه فرعون را پاسخ می‌گوید و آن کفران نعمتی است که به زعم فرعون از او سر زده است. «... وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (شعراء: ۱۹) فرعون، موسی را زیر دست خود می‌داند که به ارباب خود ناسپاسی کرده است. موسی چنین پاسخ می‌دهد: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنَّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء: ۲۲)؛ جمله مورد بحث، جمله‌ای استفهامی است که معنای انکار را می‌رساند و جمله «أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ» بیان مطلبی است که کلمه «تلك» به آن اشاره می‌کند و حاصلش این است که منتهی که بر من نهادی و نعمتی که فکر می‌کنی من آن را کفران کردم صحیح نیست، زیرا ولی نعمت بودن تو مستند به ظلم بود و تو با ظلم و زور، خود را ولی نعمت ما کردی و ولایتی هم که با ظلم و زور درست شده باشد ظلم است. (طباطبایی، ۱۵/۲۶۵؛ طیب، ۱۰/۱۸) بنابراین، موسی در یک کنش توصیفی، واقعیت عملکرد فرعون نسبت به درباریان و بنی اسرائیل را بیان میدارد تا کارگفت بیان احساساتی که برای درباریان حاصل می‌گردد (تفر از بردگی)، شاید آنها را به ایمان به خدا برساند. موسی پس از آن‌که به دفاع از خود در برابر فرعون اقدام نمود، در سه موضع به کنش گفت توصیفی و تصدیقی پروردگار خود پرداخت: «قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ» (شعراء: ۲۴)؛ این توصیف، با جهان واقع تناسب دارد. بنابر نظریه سرل، هر توصیفی بیان‌کننده یک باور است (Searle, 1998, 148. 1979, 12). زیرا معرفی خدا در عالم خلقت برگرفته از باور قلبی موسی است که جهان را آن‌گونه که واقعاً هست دارای مدبّر و مربّی برای فرعون بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۵/۲۶۸) موسی همچنین از کنش بیان احساسات در برابر پروردگار خویش همراه شرط ناظر بر صداقت خویش مدد می‌جوید و در هنگام تمسخر خویش از جانب فرعون با عبارت: «قَالَ إِنْ رَسُولُكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ» (شعراء: ۲۷)؛ هیچ اهمیتی بدان نداده و در عوض بیشتر به معرفی خدا می‌پردازد: «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (شعراء: ۲۸). ازین رو شرط تناسب در ادعای نبوت و حالت روانی خویش را حفظ کرده و آشفته نمی‌شود و صراحت کلام خود را کاملاً حفظ می‌نماید. موسی همچنین در کارگفت توصیف خداوند، اصل کیفیت و کمیت را رعایت می‌نماید و مخاطبه را در جهت درستی و

راستی هدایت می‌نماید. فرعون پس از آن که در گفتار نتوانست موسی را تسلیم کند، به زور و تهدید متوسل می‌شود و از کارگفت اعلامی استفاده می‌کند: «قَالَ لَسِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء: ۲۹). به دنبال این کنش انجام کار خارق العاده ضرورت پیدا می‌کند (معجزه عصا و ید بیضاء): «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ * وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ» (شعراء: ۳۲-۳۳). موسی در حالی که در ظاهر، موقعیت ضعیف‌تری دارد ولی در واقع شاخص قدرت او همبستگی زیادی با خداوند متعال دارد و تناسب کنش‌هایی که به کار می‌برد سبب موفقیت او می‌شود در نتیجه بیان غیرمستقیم او در انجام معجزه‌اش، شکست فرعون و یاری رساندن ساحران را به دنبال دارد. معجزه همراه با اصل کیفیت و کمیت است تا با این عمل، مخاطبه موسی در جهت درستی و هدایت فرعون و درباریان به پایان برسد و حجت بر آنان تمام شود.

۳-۲- کارگفت‌ها و راهبرد صراحت کلام در مکالمه فرعون با موسی

موسی (ع) در بدو ورود به قصر، ادعای رسالت می‌کند و خواستار همراهی بنی اسرائیل با خود می‌شود. فرعون با کنش اعلامی به دوران طفولیت موسی و بزرگ شدن او در قصر اشاره می‌کند و در صدد ظهور اثرات با گفته در کلام موسی است: «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ» (شعراء: ۱۸). جمله پرسشی فوق حاکی از موقعیت بالایی است که فرعون برای خود در نظر گرفته است و گمان می‌کند از لحاظ شاخصه قدرت و فاصله اجتماعی بر موسی برتری دارد؛ به همین دلیل از راهبرد صراحت کلام بهره می‌گیرد و در ادامه در یک کارگفت توصیفی او را کافر به معنای ناسپاس تلقی می‌کند. فرعون از موسی انتظار کنش بیان احساسات دارد که در آن احساس شرمندگی و عذرخواهی کند و او را مجبور کند جوابی محدود و معین بدهد که اقتضای این پاسخ، ناشی از استفهام تقریری است. (درویش، ۶۲/۷) فرعون، در مقام امتنان به بیان این استفهام می‌پردازد چون موسی کنش مناسبی در برابر فرعون انجام نداده است، لذا او را به مُفسد و مجرم بودن متهم می‌کند و جریان کشتن «قبطی» را یادآور می‌شود: «وَفَعَلْتَ فَعَلَتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (شعراء: ۱۹) کشتن فرد قبطی به منزله ناسپاسی موسی در برابر فرعون است. در این جا نیز فرعون در مقام حق‌خواهی برای خودش قرار دارد و نسبت دادن کفر به موسی به جهت دلسوزی برای مقتول یا حق‌خواهی برای او نیست. در این جایگاه و با توجه به سیاق و وقایع پیشین که توسط موسی رخ داده بود و ادعایی که اکنون مطرح کرده، فرعون در صدد تکذیب موسی و استهزاء و تحقیر شخصیت اوست. فرعون ادعای رسالت موسی را نمی‌پذیرد؛ زیرا در بافت ذهنی خود و چهارچوب دانایی‌هایی که از موسی دارد او را یک بنی اسرائیلی و عبدی از بندگان خود می‌داند که نافرمانی کرده و نیز او را نمک‌شناس و فاسدی می‌پندارد که قتل مرتکب شده است. (طباطبایی، ۲۶۱/۱۵؛ طبرسی، ۲۹۳/۷)؛

طیب، ۱۰/۱۵) موسی در جواب فرعون، کارگفت توصیفی دیگری بیان می‌دارد که نشان از واقعیت دارد و فساد و نمک‌شناسی را نفی می‌کند؛ او در برابر واژه «کافر» خود را «ضال» می‌خواند؛ ماده خام ضلالت در کتب لغت، به معنای ضاع الشیء (آن چیز از بین رفت) و ضَلَّ به معنای جاز عن الطريق (فلان کس از راه اصلی باز ماند و منحرف شد) است. (ابن فارس، ۳۵۶-۳۵۷) واژه ضلال در زبان عربی به کسی نسبت داده می‌شود که از راه مستقیم انحراف یابد؛ هر چند این انحراف عمدی یا سهوی، کم و یا زیاد باشد. (راغب، ۵۱۰) در لغت قبل از اسلام نیز به معنای عدول از طریق مستقیم بوده است. موسی نیز در مقام تبرئه خویش از واژه کفر، ضلالت را به خود نسبت می‌دهد. منظور موسی آن است که من از طریق مستقیم، یعنی آشتی یا مصالحه میان این دو نفر عدول کردم و عمل من ناخواسته به کشتن فرد انجامید. طریق مستقیم همان مسیر برقراری صلح و سازش بین قبطی و اسرائیلی بود که موسی، ناخواسته از آن عدول کرد و مصداق واژه «ضالین» شد. کاربرد واژه «ضالین» در معنای عدول از طریق مستقیم، نشانگر آن است که این واژه در معنای اصلی خود به کار رفته است، در این صورت، رابطه لفظ و معنا مطابقت دارد. مقتضای کلام نیز این معنا را تأیید می‌کند. بنابر نظریه سرل توضیح واقعیت قتل قبطی توسط موسی، از نوع کارگفت توصیفی و با جهان واقع متناسب است؛ زیرا موسی حادثه قتل قبطی را همان‌گونه که اتفاق افتاده بود برای فرعون روشن کرد نه این که آن را بر خلاف حقیقت و مطابق میل شخصی خویش یا آن‌گونه که در باور فرعونیان بود توضیح دهد؛ «شرط ناظر به صداقت» آن نیز، باور حقیقی موسی جهت توجیه قتل قبطی است و به همین سبب کنش گفتاری موسی(ع) صادقانه محسوب می‌شود.

در آیه ۲۹ پس از آن که موسی، با بی‌محلّی و مسخره کردن توسط فرعون از معرفی پروردگار دست بردار نیست، فرعون به تهدید و زور متوسل می‌شود (طباطبایی، ۱۵/۲۷۲) و از کنش اعلامی و تهدیدی استفاده می‌کند: «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ»؛ تناسب این تهدید مناسب با واقعیت جهان نیست، بلکه مطابق کردن جهان با میل فرعون است و فرعون در تهدیدش صداقت دارد. راهبرد فرعون در این مخاطبه، از اصل کیفیت برخوردار نیست و صرفاً بر اساس ادعای کاذب «انار بکم الأعلى» است. با معجزه موسی، راهبرد صراحت کلام فرعون همراه با قدرتی که ادعا می‌کرد خنثی می‌شود و در کنش بیان احساسات از قوت به سوی ضعف پیش می‌رود تا آن‌که از درباریان کمک می‌خواهد، زیرا معجزه موسی با آنچه در جهان خارج ادعا می‌کرد، تناسب داشت و از شرط ناظر به صداقت برخوردار بود. تکبر شاهانه، فرعون را وادار می‌کند که موسی را ساحری توانمند بخواند و پیامبری‌اش را به رسمیت نشناسد، زیرا برای فرعون اصل کیفیت در مخاطبه اهمیت ندارد، بلکه هدف او غلبه بر موسی به هر طریقی

است؛ از این رو در چاره‌جویی به درباریان اکتفا می‌نماید.

۳-۳- انواع کارگفت‌ها و راهبردهای کلام فرعون با درباریان و بالعکس

فرعون در برابر کنش توصیفی موسی جهت معرفی خداوند، خطاب را متوجه درباریان مینماید و از راهبرد صراحت کلام خویش با درباریان استفاده می‌کند و به استهزای موسی می‌پردازد و با انجام کنش ترغیبی درباریان را از پذیرش سخنان او نهی می‌کند: «قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ» (شعراء: ۲۵) (طباطبایی، ۱۵/ ۲۷۰) همچنین در یک کنش دیگر موسی را مجنون می‌خواند، او در صدد است اثرات در گفته مخاطبات خویش را در عملکرد درباریان ببیند، ولی پس از دیدن معجزه موسی با انجام کنش بیان احساسات، به درباریان متوسل می‌شود و از راهبرد صراحت کلام خویش به راهبرد ادب‌گفتاری ایجابی تغییر راهبرد می‌دهد تا اثرات با گفته خویش را در آنها باز یابد. درباریان که همواره دنبال جاه و مقام هستند، به کارگفت توصیفی و معجزه موسی توجهی نمی‌کنند و به هنگام درخواست چاره‌جویی فرعون و افزایش صمیمیت او با خودشان، خواستار مهلت دادن به موسی و برادرش هارون می‌شوند: «قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (شعراء: ۳۶) و در ادامه می‌گویند: عده‌ای از نظامیان و نگهبانان مخصوص خود را به شهرستان‌ها بفرست تا هر چه ساحر حاذق هست جمع نموده برایت بیاورند، تا به وسیله آنان با موسی معارضه کنی: «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ» (شعراء: ۳۷) گرچه جمله در ظاهر امری است، ولی درباریان به طور غیرمستقیم نظر (دستور مشورتی) خود را اعلام می‌دارند. (طباطبایی، ۱۵/ ۲۷۴) در اینجا شاخص بیان غیر مستقیم در ادب‌گفتاری درباریان قابل مشاهده است؛ زیرا درباریان به دلیل علاقه‌ای که به جاه و مقام دنیوی دارند، به کارگفت توصیفی موسی در ارتباط با معرفی پروردگار و معجزه او که با حقیقت قدرت او تناسب دارد، توجهی نمی‌نمایند و فرعون را در کفرش یاری می‌کنند.

۳-۴- کارگفت و راهبردهای کلام در گفت‌وگوی متقابل فرعون با ساحران

از آن جا که فرعون در مسابقه و نبرد با موسی، به ساحران نیاز دارد از راهبرد صراحت کلام استفاده نمی‌کند. فضای حضور ساحران در دربار، فضایی آرام و صمیمی است تا آن جا که ساحران از فرعون درباره پاداش خود سؤال می‌کنند و فرعون نیز که از تمایل آن‌ها به جاه و مقام اطلاع دارد، وعده می‌دهد که از جایگاه و منزلتی والا در آینده برخوردار می‌شوند تا آنان را تشویق نماید که برای نبردی بزرگ تلاش کنند. به همین دلیل، در این موضع از کارگفت التزامی و تعهدی و راهبرد ادب‌گفتاری ایجابی استفاده می‌کند و وعده پاداشی بزرگ می‌دهد. در این آیه شاخص هزینه-فایده قابل مشاهده است: «قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (شعراء: ۴۲) عمل و فعل ساحران پس از انجام معجزه موسی، بر خلاف انتظار فرعون است، گذشته از این که او به پیروزی امیدوار بود، هرگز تصور نمی‌کرد که در صورت شکست ساحران، آنان قدرت

استفاده از شاخص آزادی عمل را داشته باشند و در حضور مردم به خدای موسی ایمان آورند و کنش بیان احساسات خویش را در سجده به خدای موسی نشان دهند؛ از این رو، به کنش تهدیدی و اعلامی روی می آورد: «قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأُزْجِلْكُمْ مِنَ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَتَكُمْ أَجْمَعِينَ» (شعراء: ۴۹). فرعون با استفاده از راهبرد صراحت کلام به توییح ساحران می‌پردازد که چرا بدون اجازه من به موسی ایمان آوردید؛ زیرا او هزینه زیادی را متحمل شده بود ولی در نهایت خودش شکست خورد و با ایمان ساحران این شکست مضاعف گردید. (طباطبایی، ۱۵/۲۷۵) ساحران به کنش‌های مختلف فرعون اهمیتی نمی‌دهند و در برابر کنش اعلامی و تهدیدی فرعون، با استفاده از راهبرد صراحت کلام، با رعایت اصل کمیت و کیفیت و ضمن انجام کارگفت اعلامی چنین پاسخ می‌دهند: «قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُتَّقِلُونَ». ساحران آزادی عمل خویش را به فرعون نشان می‌دهند که دیگر برده او نیستند و مخاطبه موسی و خدای او را بر فرعون ترجیح می‌دهند زیرا با جهان واقع تناسب دارد و صداقت موسی خود شاهد بر این ادعاست. در «أَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ»، مقصود از ایمان، ایمان توحید است و در آیه «رَبِّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ» علاوه بر اقرار به توحید، اعتراف به رسالت موسی و هارون است (طباطبایی، ۱۵/۲۷۵)؛ «عدم اکتفاء به گفتن «رب العالمین» به این دلیل است که فرعون می‌گفت من رب العالمین هستم، چنانچه به موسی گفت: «لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُوتِينَ» و به قومش گفت: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (قصص: ۳۸) و گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ» (نازعات: ۲۴) لذا گفتند مراد ما از رب العالمین آن پروردگاری است که موسی و هارون به سوی او دعوت می‌کنند و از جانب او آمده‌اند. (طیب، ۱۰/۳۱) ساحران در یک کنش دیگر به بیان احساسات خویش می‌پردازند: «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» آنان با این سخن، دلیل ترسیدن‌شان از مجازات فرعون را بیان می‌کنند؛ به این ترتیب که چون ما اولین کسانی بودیم که به فرستادگان خدا ایمان آوردیم، امیدواریم خدا از خطاهای ما بگذرد و این تعلیل، تعلیلی صحیح است؛ برای این‌که فتح باب در هر امر خیری، اثری از خیرات دارد که هیچ عقل سالمی در آن شک نمی‌کند، پس اگر خدای سبحان بنا داشته باشد مؤمنی را به علت این‌که به رحمت و مغفرت او ایمان دارد بیامرزد، قطعاً رحمت و مغفرت او اولین کسی را که فتح باب ایمان کرده و راه را برای دیگران هموار ساخته و انمی‌گذارد. (طباطبایی، ۱۵/۲۷۶؛ طیب، ۱۰/۳۳) این عملکرد ساحران دارای یک اثر باگفته در میان مردم است؛ چون ایمان آوردن آن‌ها، دیگر مردم را نیز تشویق و ترغیب به ایمان می‌کند. ساحران کنش عاطفی خویش را در برابر خدای موسی با درخواست مغفرت از او نسبت به گناهانشان همراه می‌کنند و از

شاخص آزادی عمل استفاده نموده و در یک ادب گفتاری به اصلاح گفتار و رفتار خویش می‌پردازند و سرمشق و الگوی مردم قرار می‌گیرند. اثر کارگفتی چنین مخاطبه‌ای این است که با تکیه بر ایمان به خدا، شکنجه و به دار آویختن فرعون برای ساحران اهمیتی ندارد؛ بلکه استغفار از پروردگار، بهترین جایگزین عذرخواهی از پادشاه است.

نتیجه‌گیری

بافت فرا زبانی و زبانی از قراین تبیین آیات است؛ نظریه کارگفت در دانش کاربرد شناسی با عناوینی چون اغراض ثانویه جمله، معنای مجازی جمله و اغراض ادبی و زیبا شناختی در علم معانی مطابقت دارد. وقتی کاربر زبان در گفته خود کنش‌هایی نظیر: هشدار دادن، آگاهی دادن و پیمان بستن را به کار می‌برد، از شنونده انتظار دارد که این کنشها را دریابد و نتیجه آن را در کنش‌هایی مناسب نظیر: متقاعد گشتن، ترس و هراس داشتن، ایمان آوردن و... در مخاطب خود ببیند. سرل اثرات این کارگفت را به دو دسته «اثرات در گفته» و «اثرات با گفته» تقسیم کرده است. «اثرات با گفته» به طور غیر مستقیم به عنوان نتیجه جانبی برآمده از مجموع کارگفت‌هاست. کارگفت‌های غیر مستقیم، به اطلاعات پس زمینه‌ای مشترک میان متکلم و مخاطب نیاز دارد که هم از جنس زبان و هم از جنس غیر زبان است. در تحلیل کارگفت، استفاده متکلم از بیان غیر مستقیم با مفهوم ادب گفتاری، دارای جایگاه مهمی است؛ این مفهوم در تراث اسلامی با سیاق حالی و مقتضای کلام (علم معانی) برابر است. خروج از معنای اصلی بر ورود مخاطبه به معنای ضمنی در علم معانی مشابه با مقوله «بیان غیر مستقیم» و «کارگفت‌های غیر مستقیم» در نظریه کارگفت است.

بافت موقعیتی داستان حضور موسی در دربار فرعون برای تبلیغ رسالت، مجموعه‌ای از کارگفت‌های مستقیم و غیر مستقیم است. انواع کنش‌ها نظیر: کنش اعلامی، توصیفی، عاطفی در مخاطبه موسی و فرعون مشاهده می‌شود که هر وقت یکی از آنها در مقام متکلم قرار می‌گیرد، نیروی درگفته مشخصی را در کلام خود می‌گنجانند و قصد دارد اثر باگفته مشخصی در مخاطب خود به وجود آورد. برای نمونه موسی (ع) در آیه «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء: ۲۰)، ضمن استفاده از کارگفت توصیفی به همراه صراحت کلام به ارائه کنش «در گفته»، به طور مستقیم خود را از اتهام کفر تبرئه می‌کند و شایستگی پیامبری را از جانب پروردگار برای خویش اعلام می‌دارد. فرعون که این «اثرات با گفته» را از موسی انتظار ندارد سعی می‌کند در کنشی دیگر او را مسخره کند، ولی موسی با کنش‌های «در گفته» دیگر به معرفی خدای خویش می‌پردازد و با انجام معجزه تمام تلاش فرعون و کنش‌های او را نابود می‌سازد. در مکالمه فرعون و ساحران نیز کنش ترغیبی، اعلامی، تهدیدی، عاطفی و توصیفی وجود دارد. ابتدا فرعون با استفاده

از راهبرد ادب گفتاری ایجابی، دستمزد و پست حکومتی به ساحران را وعده می‌دهد و آنان را به انجام سحر و جادو ترغیب می‌کند؛ ولی «اثرات باگفته‌ای» که انتظار دارد را نمی‌بیند و ساحران برخلاف انتظار فرعون «اثرات باگفته» خویش را در برابر موسی و خدای او نشان می‌دهند. آنان بعد از معجزه موسی با استفاده از شاخص آزادی عمل، به خدای او ایمان آورده و کنش عاطفی خویش را در برابر خداوند یگانه ابراز می‌دارند و مغفرت طلب می‌کنند؛ در هنگام کنش تهدیدی فرعون مبنی بر قطع دست و پا، از راهبرد صراحت کلام استفاده نموده و تهدید فرعون را نادیده می‌گیرند و عملاً هیچ اثر باگفته‌ای مطابق خواست فرعون در برابر کنش‌های وی نشان نمی‌دهند.

منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، نشر علمی، تهران، ۱۳۹۲ش.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر، التحرير و التنوير، مؤسسة التاريخ العربي، لبنان-بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ابن فارس، حسین، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۹۸۱م.
- البرزی، پرویز، مبانی زبان شناسی متن، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶ش.
- پیشوایی علوی، محسن و فردین حسین پناهی، «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مؤمنون بر اساس نظریه کنش کلامی»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۴، ۶۵-۹۴، ۱۳۹۳ش.
- تجویدی، غلامرضا، کنش‌های گفتاری در فرآیند یادگیری انگلیسی گویشوران فارسی زبان، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۲ق.
- زارع، آمنه و سحر زرگری، «تحلیل متن شناسی سوره بقره بر اساس نظریه کنش گفتار»، اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی، مؤسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی، شیراز، ۱۳۹۲ش.
- سرل، جان آر، افعال گفتاری، ترجمه محمدعلی عبداللهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵ش.
- صانعی پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتاری در قرآن کریم، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۹۰ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
- عباسی، مهدی، بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین و سرل، گیتی تاکی،

- ادبیات و علوم انسانی، سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲ش.
- عبداللهی، محمدعلی، نظریه افعال گفتاری، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۲۴، ۱۳۸۴ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
- محمدی، حمید، آشنایی با علوم بلاغی معانی، بیان، بدیع، چاپ پنجم، مؤسسه فرهنگی دار الذکر، قم، ۱۳۸۳ش.
- نوری زاده، گلنار، بررسی کنش‌های گفتار در ترجمه متون سوره‌های یاسین و الرحمن از قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتار سرل و آستین، معصومه ارجمندی، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی رشت، ۱۳۹۴ش.
- ویسی، الخاص و غلامحسین اورکی، «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتاری»، ذهن، ش ۶۲، صص ۳۰-۵، ۱۳۹۴ش.
- یول، جرج، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، سمت، تهران، ۱۳۹۱ش.
- Alston, William, *Illocutionary Acts and Sentence meaning*, New York.Cornell, University Press, 1996.
- Briggs. R.S.(2001). *Words in Action: Speech Act Theory and Biblical Interpretation*. Edinburgh: T.g T. Clark.
- Saeed,J.L.(1997). *Semantic s*.Massachusetts: Blachwell pubisher.
- Searle.J.R(1979). *Expression and Meaning* New York: Cambridge University Press.
- Searle. J.R(1998) *Mind Language and Society* New York: Basic Books.
- Searle.J.R(1971) *wath is speech Acts in Rosenberg and Travis(eds)*. -Shelley , Cameron, *Speech Acts and Pragmatics in Sentence generation*,water L.O University,1992. -Sohat zidis,Savas L.T, *Foundations of Speech Act Theory*, New York, Rout ledge,1994.
- Vander veken, Daniel,*Essay in speech Act Theory*, Amsterdam, John Benjamin s publishing Company,1984.-
- Kriffa,Manfred,Embedded *Speech Act*, Berlin,Humboldt University,2002.